برآورد خط فقر در ايران طي سال‌هاي 1363_1379

فرهاد خداداد كاشي* خليل حيدري ** فريده باقري***

در اين مقاله خط فقر مناطق شهري و روستايي ايران طي سال‌هاي 1363_1379 بر پاية چهار روش نياز به كالري، درصدي از ميانه مخارج خانوارها، درصدي از ميانگين مخارج خانوارها و معكوس ضريب انگل برآورد شده است. نتايج اين پژوهش بيان‌گر آن است كه خط فقر يك واقعيت خارجي ثابت نيست و با توجه به طرز تلقي و تعريف محقق از فقر و متغيرهاي مورد استفاده براي ارزيابي آن مي‌توان مقادير متفاوتي براي خط فقر به دست آورد. يافته‌هاي اين پژوهش دلالت بر آن دارد كه در طي دورة مطالعه همواره خط فقر شهري بزرگتر از خط فقر روستايي است و خط فقر، مبتني بر مفهوم مطلق كوچك تر از خط فقر مبتني بر مفهوم نسبي فقر است . بيشترين اندازة فقر در جوامع شهري و روستايي ايران

* دكتراي اقتصاد، عضو هيات علمي سازمان مركزي دانشگاه پيام نور <khodadad2001@pnu.ac.ir>
** كارشناس ارشد اقتصاد، عضو هيات علمي موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني
*** كارشناس ارشد اقتصاد، عضو هيات علمي پژوهشكده آمار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مربوط به روش معكوس ضريب انگل مي‌باشد.

كليد واژه‌ها: خط فقر، درصد افراد فقير، رويكرد نسبت غذا، رويكرد نيازهاي اساسي خوراكي، شكاف فقر، فقر مطلق، فقر نسبي، معكوس ضريب انگل

تاريخ دريافت مقاله: 84/2/19 تاريخ پذيرش مقاله: 84/6/19

مقدمه

فقر مقوله اي است چندبعدي و محققين با توجه به ديدگاه و رشتة مطالعاتي خود به بررسي آن از جنبه‌هاي مختلف مي‌پردازند. در چند دهة اخير كاهش فقر هم در برنامة سازمان‌هاي بين‌المللي و هم در برنامة كشورهاي مختلف قرار گرفته است. در حوزة سياستگذاري براي كاهش فقر ابتدا بايد توان و ظرفيت اقتصاد ملي براي مبارزه با فقر ارزيابي گردد. در درازمدت كاهش فقر در گرو رشد و توسعة اقتصادي است. اما در كوتاه مدت براي تنظيم سياست‌هاي حمايتي و مبارزه با فقر ابتدا مي بايد متناسب با منابع مالي در دسترس، مفهوم مناسبي از فقر در نظر گرفته شود. براي مثال اگر چنان‌چه يكي از كشورهاي توسعه يافته صنعتي درصدد امحاء فقر نزد اتباع كشور خود برآيد مسلماً مي بايد مفهوم نسبي فقر را بپذيرد زيرا اساساً در چنين كشوري ممكن است فقر به مفهوم مطلق وجود نداشته باشد. پس از انتخاب مفهوم فقر مي توان با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

استفاده از روش هاي معرفي شده در اين مقاله يا ساير روش ها، خط فقر را محاسبه و درصد افراد فقير را اندازه گرفت . در طي سال هاي اخير مطالعات متعددي پيرامون فقر در ايران صورت گرفته است و تمركز اين مطالعات بر محاسبة خط فقر و تعيين درصد افراد فقير بوده است . محاسبة «درصد افراد فقير» اگر چه جنبه اي از موضوع فقر كشور را به نمايش مي گذارد اما واقعيت اين است كه «درصد افراد فقير» كه بر اساس خط فقر قابل محاسبه مي باشد منعكس كنندة تمامي واق عيت فقر نيست و اساساً از پشتوانة نظري مستدل و قوي برخوردار نيست. براي اولين بار آمارتيا سن در سال 1976 در طي يك مقاله توانست شاخص فقري را ارائة كند كه داراي زيربناي نظري قوي بود به‌طوري كه شاخص «درصد افراد فقير»، «شكاف فقر» و ضريب جيني توزيع درآمد بين خانوارها از اجزاي آن بودند.

تمركز اين مقاله بر خط فقر و روش‌هاي محاسبه و اندازه‌گيري آن در ايران مي باشد. در خصوص فقر و اندازة آن در ايران و همچنين تاثير سياست هاي اقتصادي مختلف بر فقر مطالعات مختلفي صورت گرفته است اما با بررسي اين مطالعات متوجه مي‌شويم كه «درصد افراد فقير» محاسبه شده داراي دامنة بسيار وسيعي است، به طوري كه براي مثال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بعضي محققين معتقدند در يك سال معين كمتر از 18 درصد جمعيت ايران فقير مي باشند و بعضي نتيجه گرفته اند 70 درصد جمعيت درگير فقر مي باشند علت اين تفاوت شديد در چيست؟ براي تفاوت اندازة فقر در مطالعات مختلف چند دليل را مي توان برشمرد: اول آن‌كه مفهوم فقر از نظر محققين مختلف ممكن است متفاوت باشد. نگاه انديشمندان و محققين به فقر و طرز تلقي و تعريف آن ها از فقر متفاوت است. دوم آن‌كه براي اندازه گيري فقر روش واحد مورد توافقي وجود ندارد و هر محقق از يك روش خاص براي محاسبة فقر استفاده مي كند. سوم آن‌كه متغير يا متغيرهايي كه به كمك آن‌ها فقر ارزيابي مي‌شود متعدد مي‌باشند و همين امر موجب تفاوت در اندازة فقر در مطالعات مختلف مي شود؛ براي مثال اگر در اندازه گيري فقر از درآمد استفاده شود، نتايج، متفاوت از زماني خواهد شد كه از متغير مخارج استفاده شود.

در اين مقاله نشان داده مي شود كه خط فقر يك واقعيت خارجي ثابت نيست كه داراي ارزش معين باشد و ضرورتي ندارد كه تمامي مطالعات به يك ارزش ريالي واحدي براي خط فقر در سال معين دستيابند؛ البته در حوزة سياستگذاري براي امحاء فقر مي‌بايد مفهومي از فقر مورد پذيرش قرار گيرد كه با درجة توسعة اقتصادي كشور سازگار باشد. بر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

اين اساس در اين مقاله كوشش شده است كه خط فقر بر اساس مفاهيم مختلف و روش هاي مختلف محاسبه گردد تا مشخص گردد كه اندازة خط فقر تا چه ميزان مي‌تواند متغير باشد. خط فقرهاي مختلف ساير شاخص هاي فقر همچون «درصد افراد فقير»، «شكاف فقر» و «اندازه فقر» را متاثر مي‌سازند.

اين مقاله به ترتيبي سازماندهي شده است كه در بخش دوم به مفاهيم فقر، تعريف خط فقر و انواع روش‌هاي محاسبه خط فقر اشاره مي شود؛ در بخش سوم داده‌ها معرفي مي‌شوند و در بخش چهارم اندازة خط فقر بر اساس مفاهيم و روش هاي مختلف براي مناطق شهري و روستايي ايران در طي دورة 79-1363 محاسبه مي‌شود و در نهايت در بخش پنجم، بحث و نتيجه‌گيري مورد توجه قرار مي‌گيرد.

1) مفاهيم مختلف فقر

فقر بر حسب مكان و زمان به صورت‌هاي مختلف تعريف شده و همواره بين محققان اختلاف نظر وجود داشته است؛ ولي اكثر اين محققان و مفسران در خصوص نياز به تعريف فقر اتفاق نظر دارند . تانسند (1985) در مطالعات خود در خصوص فقر در دهه هاي 1960 و 1970 فقر را به صورت زير تعريف كرده است: «افراد، خانواده ها و گروه‌هاي جمعيتي را زماني مي‌توان فقير به حساب آورد كه با فقدان منابع براي كسب انواع رژيم هاي غذايي، مشاركت در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

فعاليت‌ها و شرايط و امكانات معمول زندگي، مواجه باشند».

از نظر سن (Sen) كليه تعاريف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعي به محروميت، اشاره مي كنند. البته محروميت خود يك مفهومي نسبي است كه ممكن است در مكان‌ها و زمان‌هاي متفاوت كاملاً با هم فرق داشته باشند. از ديدگاه بانك توسعة آسيا فقر عبارت است از محروميت از دارايي ها و فرصت هايي كه هر فرد مستحق آن‌ها مي‌باشد.

بوت و راونتري (Booth & Rowntree) دو نفر از پيشگامان مطالعات فقر در كشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم تلاش كردند كه بين فقر مطلق و فقر نسبي تمايز قائل شوند . فقر مطلق يك موضوع عيني است كه برحسب «ناتواني در كسب حداقل استاندارد زندگي» تعريف شده است. اگر فردي در سطحي كمتر از اين حداقل باشد توان لازم را ب راي ادامة زندگي نخواهد داشت.

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبي قرار دارد كه يك موضوع نسبي است و به ناتواني در دسترسي به يك سطح معين از استانداردهاي زندگي كه در جامعة فعلي لازم يا مطلوب تشخيص داده مي شود تعريف شده است. به اين ترتيب در تعريف فقر نسبي به نابرابري در توزيع درآمد و ثروت بيش از ميزان مطلق درآمد افراد توجه مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

اما حداقل رفاه يا حداقل معاش مفهومي است كه تعريف واحدي براي آن ها وجود ندارد . كوچك‌ترين تغيير در مفهوم حداقل رفاه يا حداقل معاش، موجب تغيير اساسي در اندازة فقر مي شود. علي‌رغم عدم توافق راجع به حداقل معاش، هر محقق ناچار است يك تعريف عملياتي از آن ارائة دهد تا به كمك آن امكان محاسبة اندازة فقر فراهم آيد . پس از تعريف و تعيين حداقل معاش، شرايط براي محاسبه ما به ازاي ريالي آن فراهم مي شود. هزينة ريالي تامين حداقل معاش به خط فقر موسوم است. با توجه به اين‌كه فقر از ابعاد مختلفي همچون فقر نسبي و فقر ذهني تعريف مي شود بنابراين مي توان انتظار داشت كه با توجه به مفاهيم مختلف فقر، انواع خط فقر را بتوان اندازه گرفت.

2) تعريف خط فقر

به عقيدة مارتين راوليون (1998) خط فقر عبارت است از مخارجي كه يك فرد در يك زم ان و مكان معين براي دسترسي به يك سطح حداقل رفاه متحمل مي‌شود، افرادي كه به اين سطح رفاه دسترسي ندارند فقير تلقي مي‌شوند و كساني كه به اين سطح حداقل رفاه دسترسي دارند غيرفقير مي‌باشند. براي اندازه‌گيري فقر و تعيين فقيرها و تميز آن ها از غيرفقيرها به يك آستا نه يا ملاك به نام خط فقر نياز مي باشد، اين آستانه چيست و چگونه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

اندازه‌گيري مي شود؟ اين آستانه را مي توان بر اساس واحد پولي و حداقل مخارج براي ادام ة حيات تعريف نمود. اما مفهوم ادامة حيات خود، كاملاً روشن نمي باشد. همين ابهام موجب شده است كه تعاريف مختلفي از فقر و خط فقر ارائة شود. بعضي از محققين، حداقل معاش براي ادامة حيات را بر حسب ميزان انرژي و پروتئين مورد نياز بدن تعريف مي‌كنند. براي مثال در كشور چين حداقل معاش بر اساس نياز بدن 2150 كالري در روز تعريف شده است به‌طوري كه 90درصد آن از غلات و تنها 10درصد ديگر با مصرف خوراكي هايي به جز غلات تامين شده باشد. در كشور اندونزي خط فقر بر حسب 2000 كالري تعريف مي‌شود، به‌طوري كه 66 درصد آن از طريق غلات تامين شده باشد.

در كشورهاي تايلند و فيليپين حداقل معاش بر حسب 2000 كالري روزانه تعريف شده است. در كشور تايلند براي م حاسبة هزينة ريالي ت أمين 2000 كالري انرژي مورد نياز فرض مي شود كه در مناطق شهري معادل 70 درصد آن و در مناطق روستايي 77 درصد آن از طريق مصرف غلات تامين شده باشد.

بسته به اين كه فقر مطلق يا نسبي در نظر گرفته شود، آستانه اي تعريف مي شود كه مرز بين فقيران و ساير افراد جامعه را مشخص مي كند. اين آستانه «خط فقر» ناميده مي شود. به اين ترتيب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

ملاحظه مي‌شود كه خط فقر نيز داراي دو مفهوم مطلق و نسبي است كه انتخاب هر يك از اين دو در سياست‌هاي عملي فقرزدايي حائز اهميت مي‌باشد زيرا شاخص‌هاي فقر مبتني بر هر يك از اين دو مفهوم، حساسيت‌هاي متفاوتي در مقابل تغييرات اقتصادي ـ اجتماعي كوتاه مدت و بلندمدت و يا نابرابري درآمد از خود نشان مي‌دهند.

بر اساس تعريف، خط فقر مطلق عبارت از مقدار درآمدي است كه با توجه به زمينه هاي فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي و... جامعة مورد بررسي، براي تامين حداقل نيازهاي افراد (مانند غذا، پوشاك، مسكن و...) لازم است و عدم تامين آن موجب مي شود تا فرد مورد بررسي به عنوان فقير در نظر گرفته شود. اين روش تعيين خط فقر را «روش نيازهاي اساسي» (Basic-Needs Approach) نيز مي‌گويند.» (ابوالفتحي، 100:1371).

در اين روش ابتدا ميزاني از درآمد براي تامين هزينه‌هاي غذايي مصرفي در نظر گرفته مي شود سپس مقداري درآمد ثابت براي تامين هزينة حداقل ساير نيازهاي اساسي به آن افزوده مي‌شود و بدين ترتيب خط فقر محاسبه مي شود (روش روانتري). در روش ديگر با در نظر گرفتن حداقل هزينه هاي غذاي لازم براي زنده ماندن فرد و با استفاده از ميانگين هندسي نسبت هزينة غذا به هزينة كل فرد در جامعة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مورد بررسي، خط فقر يا حداقل درآمد مورد نياز براي تامين هزينه هاي اساسي به دست مي آيد (روش ارشانسكي). براي محاسبة نسبت هزينة غذا به كل مخارج مي‌توان از تابع انگل استفاد ه نمود. از ضريب انگل محاسبه شده مي توان وضعيت هر فرد جامعه را شناسايي نمود . به كمك ضريب انگل مي‌توان نسبت هزينة غذا به مخارج كل را براي متوسط جامعه محاسبه نمود و سپس با مقايسة اين نسبت با نسبت هزينة غذا به كل مخارج هر فرد مشخص نمود كه آيا وي فقير مي باشد ي ا خير (روش نسبت غذا ، Food-Rario Method). در برخي مواقع براي تعيين خط فقر، روش ارشانسكي با اند كي تعديل به كار گرفته مي شود. به اين صورت كه به جاي ميانگين هندسي نسبت هزينة غذا به كل هزينة فرد در كل جامعه مورد بررسي، از ميانگين نسبت غذا به كل هزينه پايين ترين طبقة درآمدي جامعه استفاده مي‌شود.

گاهي اوقات براي تعيين خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم براي تامين نيازهاي اساسي استفاده نمي شود بلكه براي مشخص كردن حداقل نيازهاي اساسي براي زندگي، حداقل ويژگي‌هاي كيفي نظير حداقل كالري و پروتئين دريافتي روزانه، حداقل سطح زيربناي مسكوني سرانه، حداقل ميزان تحصيلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

باسواد خانواده و... نيز در نظر گرفته مي‌شوند و در صورتي كه هر يك از افراد جامعه حداقل يكي از اين ويژگي‌ها را دارا نباشد فقير محسوب مي‌شود.

خط فقر نسبي يا به صورت درصد معيني از د رآمد جامعه و يا به شكل يك مرز درآمدي كه درصد معيني از افراد جامعه پايين تر از آن قرار مي گيرند، تعريف مي‌شود. انتخاب خط فقر نسبي موجب مي‌شود كه همواره در جامعه عده اي افراد به عنوان فقير معرفي شوند.

در خصوص كاربرد خط فقر نسبي بايد توجه داشت كه هر قدر هم در آمد افراد جامعه بالا باشد و تمامي آحاد جامعه از حداقل نيازها برخوردار باشند، مع هذا همواره درصدي از افراد جامعه در مقايسه با ساير افراد جامعه فقير تلقي مي‌شوند.

اين مسئلة مهم‌ترين اشكال خط فقر نسبي است كه استفاده از آن را در سياست هاي فقرزدايي دچار مشكل مي كند؛ زيرا كاربرد آن، در اندازه گيري اثرات اين سياست‌ها در كاهش فقر تناقضاتي را به وجود مي‌آورد. خط فقر نسبي و شاخص هاي فقر نسبي بيش از آن‌كه نمايانگر فقر باشند ميزان نابرابري توزيع درآمد در جامعه را نشان مي‌دهند زيرا تنها تغييرات نابرابري توزيع درآمد در جامعه بر آن‌ها اثر مي‌گذارد و رشد و توسعة اقتصادي ـ اجتماعي جامعه اندازة آن‌ها را تغيير نمي‌دهد، در حالي كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

خط فقر مطلق در نتيجة رشد و توسعة اقتصادي ـ اجتماعي تغيير مي‌كند. از اين رو انتخاب خط فقر مطلق در مقايسه با خط فقر نسبي، از مزاياي قابل توجهي برخورد ار است و به همين دليل عمدة بررسي‌هاي انجام شده در خصوص فقر متكي بر كاربرد خط فقر مطلق است.

به‌طور خلاصه خط فقر عبارت است از مخارجي كه يك فرد در يك زمان و مكان معين براي دسترسي به يك سطح حداقل رفاه متحمل مي شود. افرادي كه به اين سطح رفاه دسترسي ندارند فقير تلقي مي شوند و كساني كه به اين سطح رفاه حداقل و بالاتر از آن دسترسي دارند غيرفقير مي‌باشند

3) داده ها

اطلاعات طرح آماري درآمد هزينه خانوار مركز آمار، داده هاي لازم براي انواع مطالعه پيرامون رفتار مصرف كنندگان و محاسبة شاخص هاي فقر و توزيع درآمد را فراهم مي‌سازد. در اين مطالعه براي محاسبة خط فقر به روش‌هاي مختلف از داده هاي خام طرح آماري درآمد و هزينة خانوار مركز آمار در طي سال‌هاي 79ـ1363 استفاده شده است.

براي استخراج داده هاي مورد نياز ابتدا مخارج هر يك از خانوارهاي نمونه سرانه شد و سپس خانوارها در قالب ده دهك درآمدي قرار گرفتند. ماتريس‌هاي عملكرد تغذيه اي دهك‌هاي درآمدي، انواع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

خط فقر بر اساس مخارج و مقادير مصرف دهك هاي مختلف درآمدي براي مناطق شهري و روستايي محاسبه شدند تا در اين مقاله امكان محاسبة فقر به روش‌هاي مختلف فراهم آيد.

4) اندازة خط فقر در مناطق شهري و روستايي ايران: 79ـ1363

روش‌هاي محاسبه خط فقر بسيار متنوع است. بسته به اين‌كه كدام مفهوم از فقر مورد نظر باشد روش محاسبه نيز فرق خواهد داشت. براي مثال توجه به مفهوم فقر مطلق يا نسبي و يا مفهوم عيني و ذهني فقر هر كدام مي‌تواند تعيين‌كنندة روش محاسبة خط فقر باشند. به عبارت ديگر خط فقر مقدار معين و غير قابل تغيير نيست، بلكه بسته به مفهومي كه از فقر در نظر است، روش محاسبة آن نيز متفاوت خواهد بود. در اين بررسي خط فقر بر اساس نياز به كالري، درصدي از ميانة مخارج خانوارها، درصدي از ميانگين مخارج خانوارها و م عكوس ضريب انگل در مناطق شهري و روستايي كشور طي سال هاي 1363 تا 1379 برآورده شده است. لازم به توضيح است كه تمامي محاسبات بر اساس داده‌هاي طرح آمارگيري از هزينه و درآمد خانوارهاي شهري و روستايي مركز آمار ايران مي‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

4-1) برآورد خط فقر بر اساس نياز كالري (روش پژويان)

پژويان (1994) با توجه به مفهوم مطلق فقر و روش نيازهاي اساسي غذايي، خط فقر را براي ايران محاسبه نمود. در اين مطالعه با استفاده از روش پژويان خط فقر شهري و روستايي براي دوره 1363 تا 1379 محاسبه مي‌شود. در اين روش ابتدا لازم است با توجه به نظر م تخصصين تغذيه حداقل نياز هر فرد به ارزش هاي غذايي مثل كالري، پروتئين و ريزمغذي‌ها تعيين شود . در اين مطالعه صرفاً به حداقل نياز هر فرد به كالري به ميزان 2179 كالري و 2300 كالري در روز (پژويان: 1371 و طرح الگوي مصرف: 1381) بسنده مي شود. در مرحلة بعد دو ماتريس حاوي داده هاي مصرفي خانوارها و ارزش هاي غذايي موجود در هر صد گرم از هر يك از مواد غذايي تنظيم شد . در ماتريس اول ميزان مصرف ده دهك درآمدي (مخارج) از هر يك از اقلام غذايي براي هر يك از سال‌هاي مورد نظر 1363 تا 1379 براي مناطق شهري و روستايي تنظيم گرديد . پس از آن ماتريس ارزش‌هاي غذايي (كالري، پروتئين، سديم، كلسيم و...) موجود در هر صد گرم از مواد غذايي تنظيم شد و با ضرب نمودن دو ماتريس فوق، عملكرد تغذيه‌اي هر يك از دهك هاي درآمدي براي هر يك از سال‌هاي مورد نظر محاسبه شد. در واقع ماتريس ها حاصلضرب، ميزان انرژي (كالري)، پروتئين، سديم،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

فسفر، كلسيم و ... دريافتي فرد شاخص شهري (روستايي) و ده دهك درآمدي را مشخص مي‌سازد.

از آن‌جا كه در اين مطالعه براي محاسبة خط فقر بر اساس روش نيازهاي اساسي غذايي، به ارقام انرژي (كالري) نياز بود بنابراين در مرحلة بعد اولين دهكي كه مي زان انرژي دريافتي اش برابر 2179 (2300) كالري يا بيشتر بود براي هر يك ازسال‌ها به تفكيك مناطق شهري و روستايي شناسايي شد و ميزان انرژي (كالري) دريافتي دهك مورد نظر ثبت شد. براي مثال اگر در سال t، دهك iام اولين دهكي باشد كه حداقل انرژي دريافتي را دريافت كرده باشد رقم انرژي دريافتي اين دهك به صورت C_i^t مورد توجه قرار مي‌گيرد.

در مرحلة بعد با تقسيم مخارج كل دهك iام بر ميزان انرژي دريافتي اين دهك هزينة تامين هر واحد انرژي (كالري) مشخص مي‌گردد.

$$E_{ci}^t = \frac{E_i^t}{C_i^t}$$

در رابطة فوق E_i^t مخارج كل دهك iام، C_i^t ميزان انرژي دريافتي دهك iام و E_{ci}^t مخارجي است كه دهك iام براي تامين هر واحد كالري متحمل شده است.

در مرحلة بعد مازاد انرژي دريافتي دهك iام نسبت به حداقل انرژي توصيه شده (2179 يا 2300 كالري) محاسبه مي‌شود و عدد به دست آمده را در هزينة هر واحد انرژي ضرب مي‌كنيم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

$$(EC)_i^t = c_i^t - 2179$$
$$(EE)_i^t = (EC)_i^t \times E_i^t$$

در روابط فوق E_{ci}^t مازاد كالري دريافتي دهك iام و $(EE)_{ci}^t$ مخارج اضافي دهك iام مي‌باشد.

در آخرين مرحله با كم نمودن مخارج اضافي دهك iام $(EE)_{ci}^t$ از كل مخارج دهك iام، خط فقر براي سال t محاسبه مي‌شود.

$$PL = E_i^t - (EE)_i^t$$

اگر فرض شود هر نفر در روز تنها به 2179 كالري انرژي نياز دارد در آن صورت ميزان خط فقر برآوردي در طي سال هاي 1363 تا 1379 در جدول شماره 1 نشان داده شده است. اين نتايج دلالت بر آن دارد كه خط فقر در مناطق شهري طي سال هاي مورد مطالعه روند صعودي داشته است به طوري كه مقدار ماهانة آن براي يك فرد شهري از 10867 ﷼ در سال 1363 به 153408 ﷼ در سال 1379 افزايش يافته است؛ يعني سالانه رشدي نزديك به 18 درصد داشته است كه با توجه به تورم دورقمي در تمامي سال هاي مطالعه، اين رشد دور از انتظار نيست. در مناطق روستايي خط فقر براي يك نفر در هر ماه در سال 63 حدود 3503/4 ﷼ برآورد گرديده كه در سال 79 به 84684/5 ﷼ افزايش يافته است، يعني سالانه رشدي نزديك به 22 درصد داشته كه رشد سالانة آن بيشتر از مناطق شهري است ولي مقدار مطلق خط فقر شهري

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

در تمامي سال هاي مورد مطالعه 1/2 تا 3 برابر بيشتر از مناطق روستايي بوده است.

جدول 1: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية نياز به 2179 كالري در روز طي سال‌هاي 79-1363
(سرانه ـ ماهانه ـ ﷼)

سال	شهري	روستايي
63	10867	3503
64	11608	4320
65	12657	9208
66	14255	9079
67	25007	12754
68	20455	8851
69	21030	11678
70	17663	10119
71	31502	19046
72	37470	25639
73	63355	39162
74	56376	40120
75	77234	45852
76	40264	50177
77	110752	61316
78	113280	64471
79	153408	84684

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

اگر نياز روزانة هر فرد به كالري را معادل 2300 كالري در نظر بگيريم در اين صورت مقدار خط فقر نسبت به فرض قبلي (2179 كالري) افزايش خواهد يافت. نتايج حاصل از برآورد خط فقر با اين فرض

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

براي مناطق شهري و روستايي در جدول شماره 2 درج گرديده است. اين نتايج نشان مي دهد يك نفر شهري در ماه براي تامين حداقل رفاه خود به 11470 ﷼ در سال 1363 نياز داشته است كه در سال 1379 اين رقم به 161928/5 ﷼ افزايش يافته است . رشد سالانة خ ط فقر 18 درصد بوده است . براي مناطق روستايي خط فقر بر پاية نياز به 2300 كالري در سال 63 براي هر نفر در ماه 3698 ﷼ برآورد گرديده كه در سال 79 اين رقم به 89383 ﷼ افزايش يافته است، يعني سالانه رشدي معادل 22 درصد داشته است.

جدول 2: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية نياز به 2300 كالري در روز طي سال‌هاي 79-1363 سرانه ـ ماهانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	11470	3698
64	13939	5018
65	13360	6222
66	22539	8813
67	26396	16579
68	21572	9347
69	23427	12305
70	21875	18082
71	33251	20104
72	51691	27062
73	75984	42390
74	59507	42348
75	81523	48398

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

58538	85604	**76**
64721	116902	**77**
68052	138008	**78**
89383	161928/5	**79**

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

4-2) برآورد خط فقر بر پاية درصدي از ميانه يا ميانگين خارج خانوارها

به منظور اندازه‌گيري خط فقر بر پاية مفهوم نسبي فقر مي‌توان با محاسبة ميانه يا ميانگين مخارج خانوارها و تعيين درصدي از آن به عنوان خط فقر اقدام نمود. البته در اين روش اگرچه به مفهوم نسبي فقر تاكيد شده اما ديدگاه نظري مستدلي براي تعيين درصد مورد نظر وجود ندارد، و در واقع تعيين 50 درصد و يا 66 درصد اختياري و تجربي است و هر محقق مي تواند آن را براي خود تعيين نمايد. با اين حال براساس مطالعات گذشته، در اين تحقيق از 50 درصد و 66 درصد ميانه يا ميانگين مخارج به عنوان دو معيار تعيين خط فقر استفاده شده است. در اين روش ابتدا ميانه يا ميانگين مخارج محاسبه مي‌شود، سپس در مرحلة بعد 50 يا 66 درصد ميانه يا ميانگين مخارج به عنوان خط فقر در نظر گرفته مي‌شود.

4-2-1) ميانه

يكي از روش‌هاي تعيين خط فقر كه بر پاية مفهوم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نسبي استوار است تعيين ميانة مخارج خانوارها و محاسبه 50 درصد يا 66 درصد آن به عنوان خط فقر است. به منظور تعيين خط فقر ابتدا مخارج خانوارها در ده دهك درآمدي (هزينه‌اي) مرتب گرديد و سپس از مخارج دهك هاي پنجم و ششم ميانگين گرفته شد و اين ميانگين به عنوان ميانة مخارج خانوارها در نظر گرفته شد و يك بار 50 درصد اين ميانه و بار ديگر 66 درصد آن به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته شد.

نتايج برآورد خط فقر براساس 50 درصد ميانة مخارج براي مناطق شهري و روستايي طي سال‌هاي 1363 تا 1379 در جدول شماره 3 درج گرديده است. اين نتايج دلالت بر آن دارد كه يك نفر شهري در سال 1363 براي تامين حداقل نيازهاي خود حدود 7829 ﷼ لازم داشته كه در س ال 1379 اين رقم به 170467 ﷼ افزايش يافته است؛ يعني سالانه رشدي معادل 21 درصد داشته كه نسبت به روش نياز كالري، 3 درصد رشد بيشتر نشان مي‌دهد.

خط فقر برآوردي در مناطق روستايي بر پاية 50 درصد ميانة مخارج در سال 63 برابر 3834 ﷼ بوده كه در سال 79 به 98344 ﷼ افزايش يافته است؛ يعني سالانه رشدي معادل 22 درصد داشته است. مقايسة خط فقر شهري و روستايي دلالت بر آن دارد كه خط فقر مناطق شهري حدود دو برابر خط فقر در مناطق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

روستايي است.

جدول 3: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية 50 درصد ميانه مخارج طي سال‌هاي 79-1363
سرانه ـ ماهانه ـ ريال

سال	شهري	روستايي
63	7829	3834
64	6689	3387
65	7556	3562
66	8286/5	4426/5
67	10165	5120
68	12094	3085
69	11556	6078
70	14995	8553
71	19396	11119
72	24721	13566
73	35469	18804
74	61381	35350
75	83133	43155
76	96882	52459
77	121823	63758
78	145055	83900
79	170467	98344

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

در جدول شماره 4 نتايج مربوط به برآورد خط فقر بر پاية 66 درصد ميانة مخارج خانوارهاي شهري و روستايي طي سال هاي 1363 تا 1379 درج گرديده است. اين نتايج دلالت بر آن دارد كه در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

سال 63 در جامعة شهري هر نفر ماهيانه به 10334 ﷼ نياز داشته تا حداقل مايحتاج زندگي خود را تأمين كرده باشد. اين رقم در سال 79 به 225016 ﷼ افزايش يافته است. به عبارت ديگر اين خط فقر از رشد سالانه اي معادل 21 درصد برخوردار بوده است. در مناطق روستايي خط فقر برآوردي بر پاية 66 درصد ميانة مخارج در سال 63 برابر 5060 ﷼ بوده كه در سال 79 به 129814 ﷼ افزايش يافته؛ يعني سالانه رشدي معادل 22 درصد داشته است.

جدول 4: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية 66 درصد ميانة مخارج طي سال‌هاي 79-1363

سرانه ـ ماهيانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	10334	5060
64	8829	4470
65	9973	4702
66	10938	5843
67	13418	6759
68	15964	4073
69	15254	8023
70	19794	11290
71	25602	14678
72	32632	17907
73	46819	24821
74	81023	46662
75	109735	56956
76	127884	69246

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

94160	160806	**77**
110748	191473	**78**
129814	225016	**79**

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

2-2-4) ميانگين

خط فقر بر پاية درصدي از ميانگين مخارج، همانند خط فقر بر پايه درصدي از ميانه مخارج، بر مفهوم نسبي فقر استوار است. نتايج حاصل از برآورد خط فقر براساس 50 درصد ميانگين مخارج خانوارهاي شهري و روستايي در جدول شماره 5 درج گرديده است. اين نتايج دلالت بر آن دارد كه در سال 63 خط فقر برآوردي براي هر نفر در ماه در مناطق شهري 10723 ﷼ بوده كه در سال 79 به 234199 ﷼ افزايش يافته؛ يعني سالانه رشدي معادل 21 درصد داشته است. براي مناطق روستايي خط فقر برآوردي بر پاية معيار فوق الذكر در سال 63 برابر 5052/5 ﷼ در هر ماه بوده كه در سال 79 به 130477 ﷼ افزايش يافته يعني سالانه رشي معادل 22/5 درصد داشته است. مقايسة مقادير خط فقر بر پاية اين معيار در تمامي سال هاي مورد مطالعه با مقادير متناظر آن بر پاية 50 درصد ميانة مخارج در جامعة شهري و روستايي دلالت بر آن دارد كه همواره خط فقر برآوردي روش اول بزرگ تر از روش دوم بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

جدول 5: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية 50 درصد ميانگين مخارج طي سال‌هاي 79-1363
سرانه ـ ماهيانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	10723	5052/5
64	9097	4331
65	10640	4773
66	11766	5518/5
67	13755	6391
68	16160	7669
69	15499	9785/5
70	20777	11794
71	26208	14450
72	33152	17454

ادامه جدول 5

73	47970	24772
74	85879	47721
75	116991	56160
76	136272	69696
77	168792	88222
78	199759	113365
79	234199	130447

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

در جدول شماره 6 نتايج برآورد خط فقر براساس 66 درصد ميانگين مخارج خانوارهاي شهري و روستايي طي سال هاي 63 تا 79 ارائه گرديده است. اين نتايج نشان مي‌دهد خط فقر جامعة شهري در سال 1363 برابر 14154 ﷼ در ماه براي هر نفر بوده كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

در سال 1379 به 309143 ﷼ افزايش يافته؛ يعني سالانه رشدي معادل 21 درصد داشته است. براي جامعة روستايي خط فقر برآوردي بر پاية ملاك فوق‌الذكر در سال 1363 برابر 6669 ﷼ براي هر نفر در ماه بوده كه در سال 1379 به رقم 172190 ﷼ افزايش يافته؛ يعني سالانه رشدي معادل 22 درصد داشته است.

جدول 6 : برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية 66 درصد ميانگين مخارج طي سال‌هاي 79-1363
سرانه ـ ماهيانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	14154	6669
64	12008	5717
65	14045	6300
66	15531	7284
67	18156	8436
68	21331	10124

ادامه جدول 6

69	20459	12917
70	27425	15568
71	34594	19075
72	42441	23039
73	63320	32699
74	113360	62992
75	154428	74131
76	179879	91999
77	222805	116453
78	263683	149642

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

172190	309143	**79**

ماخذ: يافته هاي پژوهش

4-3) برآورد خط فقر بر پايه معكوس ضريب انگل

4-3-1) روش اول

در نظرية رفتار مصرف كننده، قانون انگل همواره مورد توجه محققين بوده است و از اين قانون در تنظيم سياست هاي حمايتي و يارانه اي استفاده مي‌شود. براساس اين قانون با افزايش درآمد خانوار، سهم مخارج خوراكي از كل مخارج خانوار كاهش مي يابد. در واقع انتظار مي رود كه درصد بالايي از مخارج خانوارهاي فقير به مواد غذايي اختصاص يابد. در بحث پيرامون فقر و به‌ويژه براي اندازه‌گيري خط فقر، از قانون انگل، كه ناظر به رابطة بين مخارج خوراكي و مخارج كل خانوارها مي‌باشد استفاده مي‌شود.

در اين روش براي محاسبة خط فقر از ضريب انگل استفاده مي‌شود. براي اين كار ابتدا با تخمين رابطة بين مخارج خوراكي و كل مخارج خانوار، ضريب انگل تخمين زده مي شود. براي تخمين ضريب انگل معمولاً از الگوهاي زير استفاده مي‌شود:

1) $F = \alpha_0 + \alpha_1 E + 4$

2) $InF = \beta_0 + \beta_1 InF + \mu$

3) $InF = \gamma_0 + \gamma_1 E + \theta$

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

4) $F = \eta_0 + \eta_1 InE + \lambda$

در تمامي مدل هاي فوق، F اشاره به مخارج خوراكي خانوارها و E به مخارج كل خانوارها دلالت دارد. ε، μ، θ و λ جملات پسماند الگوهاي فوق مي‌باشند. تخمين الگوهاي فوق مستلزم دسترسي به اطلاعات مخارج خوراكي و مخارج كل خانوارها در قالب گروه‌هاي درآمدي يا چندك‌هاي درآمدي مي‌باشد.

در اين مقاله از داده هاي مقطع ـ زماني (Cross-Section) در قالب ده ك‌هاي مخارج استفاده شد و الگوهاي اقتصاد سنجي فوق براي هر يك از سال هاي دورة 79-1363 تخمين زده شدند و سپس با توجه به مقادير t و R^2 بهترين الگو تعيين و ضريب انگل مشخص شد (خداداد كاشي، فرهاد، 1381: 71).

در مرحلة بعد ضريب انگل هر يك از سال ها را معكوس نموده و عدد حاصل را در متوسط مخارج خوراكي خانوارها ضرب نموده تا خط فقر براي هر يك از سال ها محاسبه شود. لازم به توضيح است خط فقر محاسبه شده بر پاية معكوس ضريب انگل با مفهوم نسبي فقر سازگار مي‌باشد.

نتايج حاصل از برآورد خط فقر در مناطق شهري و روستايي براي سال‌هاي 1363 تا 1379 با استفاده از اين روش در جدول شماره 7 ارائه شده است. اين نتايج دلالت بر آن دارد كه خط فقر شهري در ماه براي هر نفر رشدي معادل 23 درصد داشته، زيرا از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

22459 ﷼ در ماه براي يك نفر در سال 1363 به 614995 ﷼ در سال 1379 افزايش يافته است . در مناطق روستايي نرخ رشد سالانة خط فقر بر پاية معكوس ضريب انگل طي سال هاي مطالعه برابر 22 درصد بوده زيرا از 13300 ﷼ براي هر نفر در ماه در سال 1363 به 305573 ﷼ در ماه براي هر نفر در سال 1379 افزايش يافته است . اين رشد بسيار نزديك به نرخ رشد سالانه مناطق شهري اس ت. محاسبات نشان مي دهند در طي تمامي سال هاي مطالعه، خط فقر شهري بزرگ تر از خط فقر مناطق روستايي بوده است.

جدول 7: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية معكوس ضريب انگل طي سال‌هاي 79-1363- روش اول
سرانه ـ ماهيانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	22459	13300
64	17988	10648
65	19041	9736
66	22901	11212
67	27291	15387
68	31603	20708
69	43135	23509
70	65532	29443
71	80595	35514
72	99665	41682
73	158260	63463
74	243782	112104

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

142441	387542	**75**
169379	423715	**76**
189611	433032	**77**
269149	511707	**78**
305573	614995	**79**

ماخذ: يافته‌هاي پژوهش

4-3-2) روش دوم

محاسبة خط فقر براساس معكوس ضريب انگل از آن جهت كه كلية گروه هاي درآمدي را در محاسبة ضريب انگل لحاظ مي‌كند مورد انتقاد مي‌باشد، زيرا اين روش خط فقر را بيش از اندازه تعيين مي‌كند. براي رفع اين مشكل در محاسبة ضريب انگل پيش نهاد مي‌شود كه از مخارج گروه هاي فقير استفاده شود. كاربرد اين پيشنهاد، خود مستلزم تعيين فقرا از قبل مي‌باشد و در واقع بايد به ترتيبي فقيرها را شناسايي كنيم؛ در صورتي كه هدف، تعيين خط فقر و سپس شناسايي فقيرها مي‌باشد. براي رفع اين مشكل به جاي استفاده از متو سط مخارج خوراكي خانوارها، مخارج دهك اول درآمدي به عنوان شاخصي از مخارج فقيرها در نظر گرفته شد. كاربرد روش اخير موجب تخمين پايييني از خط فقر نسبي برحسب معيار معكوس ضريب انگل مي‌شود.

بر پاية نتايج حاصل از برآورد خط فقر در اين روش (جدول شماره 8) در مناطق شهري در سال 63 هر نفر ماهانه به 5035 ﷼ نياز داشته است تا حداقل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

امكانات رفاهي را فراهم نمايد، در حالي كه اين رقم در سال 79 به 142949 ﷼ افزايش يافته است؛ يعني خط فقر برآوردي، سالانه نرخ رشدي معادل 23 درصد داشته است .در سال 1363 خط فقر روستايي معادل 3199 ﷼ برآورد شد كه با 21 درصد رشد سالانه در سال 79 به رقم 65721 ﷼ در ماه براي هر نفر افزايش يافت.

جدول 8: برآورد خط فقر مناطق شهري و روستايي بر پاية معكوس ضريب انگل طي سال‌هاي 79-1363- روش دوم
سرانه ـ ماهانه ـ ﷼

سال	شهري	روستايي
63	5035	3199
64	4147	2706
65	5618	1970
66	5150	3103
67	6641	3785
68	9018	4457

ادامه جدول 8

69	11837	4172
70	10818	4117
71	14231	5459
72	2912	7285
73	31502	12052
74	61613	21928
75	86801	30564
76	68569	34242
77	133817	48112

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

64118	150626	**78**
65721	142949	**79**

مأخذ: يافته‌هاي پژوهش

5) نتيجه‌گيري

همان‌گونه كه قبلاً اشاره شد خط فقر يك واقعيت خارجي ثابت نيست بلكه با توجه به باور محقق نسبت به مسائل ارزشي و اخلاقي و همچنين روش محاسبه، مي‌توان مقادير متعددي براي خط فقر در اختيار داشت. جداول شمارة 1 تا 8 بر اين امر گواهي مي‌دهند. با مقايسة ارقام اين جداول مشخص مي‌گردد خط فقري كه بر پاية مفهوم مطلق ساخته مي‌شود كوچك‌تر از خط فقري است كه بر مفهوم نسبي فقر استوار است. خط فقر بر اساس حداقل انرژي مورد نياز (2179 كالري) در سال 1379 معادل 153408 ﷼ در ماه براي هر فرد شهري برآورد ش د در حالي كه در همان سال براساس روش معكوس ضريب انگل خط فقر معادل 614995 ﷼ برآورد شد بر اين اساس ملاحظه مي‌شود خط فقر بر حسب روش دوم، چهار برابر خط فقر مبتني بر روش اول مي‌باشد. در سال 1379 و در مناطق روستايي، خط فقر بر حسب معيار معكوس ضريب انگل، معادل 305573 ﷼ و برحسب حداقل انرژي مورد نياز (2179 كالري) به ميزان 84684 ﷼ برآورد شد. در واقع خط فقر مبتني بر روش ضريب انگل 3/6 برابر خط فقر مبتني بر حداقل انرژي مورد نياز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مي‌باشد. علت اين تفاوت اين است كه خط فقر مبتني بر معيار 2179 كالري، صرفاً براساس حداق ل نيازهاي انسان برآورد شده است و بر مفهوم مطلق فقر استوار است در حالي كه در روش معكوس ضريب انگل، خط فقر براساس الگوي مخارج كلية افراد جامعه محاسبه مي‌شود و بر مفهوم نسبي فقر استوار مي‌باشد.

در جدول شماره 8 خط فقر بر اساس معيار ضريب انگل تعديل شده محاسبه شده است و تعديل به نحوي صورت گرفته است كه مفهوم فقر مطلق اندازة خط فقر را متأثر كند. در جدول شمارة 8 معكوس ضريب انگل در مخارج دهك اول درآمدي (فقيرترين فرد جامعه) ضرب شده است بنابراين خط فقر محاسبه شده به شدت متأثر از مخارج دهك اول مي گردد. اجزاي تشكيل‌دهندة اين خط فقر بر دو مفهوم متفاوت فقر تأكيد دارند. معكوس ضريب انگل، بر مفهوم نسبي و مخارج دهك اول، بر مفهوم مطلق فقر اشاره دارند و لذا خط فقر به دست آمده برآيندي از اين دو مفهوم مي‌باشد؛ اما با مقايسة ارقام جداول شماره 1 و 8 مشخص مي‌گردد در محاسبة خط فقر جدول شماره 8 وزنة اهميت مفهوم مطلق فقر بر مفهوم نسبي فقر تسلط دارد.

در جدول شماره 9 خط فقر بر اساس معيارهاي مختلف براي سال‌هاي 1363 و 1379 و به تفكيك مناطق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

شهري و روستايي درج شده است. با مقايسة خط فقر برحسب معيارهاي مرتبط با ميانگين و ميانة مخارج جامعه مشخص مي‌گردد توزيع درآمد در مناطق شهري و روستايي ايراني به صورت چوله راست مي باشد زيرا خط فقرهاي مرتبط با ميانگين، بزرگتر از خط فقرهاي مرتبط با ميانه مي باشند. با مقايسة اندازة خط فقر در سال هاي 79 و 63 مشخص مي‌گردد در مناطق شهري خط فقر براساس معيار حداقل انرژي (2179 كالري) 14/1 برابر افزايش يافته است در حالي‌كه ميزان افزايش خط فقر براساس معيار معكوس ضريب انگل 27/3 برابر افزايش يافته است. نكتة قابل توجه ديگر اين است كه در تمامي سال ها، خط فقر شهري بزرگتر از خط فقر روستايي بوده و كلية روش‌هاي محاسبه خط فقر اين نكته را تأييد مي‌نمايند. علاوه بر اين با مقايسة ميزان افزايش خط فقر برحسب ملاك هاي مختلف، مي‌توان نتيجه گرفت كه نابرابري در توزيع درآمد در مناطق شهري نسبت به مناطق روستايي افزايش يافته است. توضيح اين‌كه در طي سال هاي 1363 تا 1379 خط فقر مبتني بر مفهوم مطلق فقر 14/1 برابر شده است در حالي‌كه خط فقر برحسب معكوس ضريب انگل 27/3 برابر شده است. خط فقر اخير از نحوة توزيع درآمد در جامعه متأثر مي باشد. در مناطق روستايي، اندازة خط فقر برحسب روش هاي مختل ف

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

محاسبة خط فقر تقريباً به يك نسبت افزايش يافته است.

جدول 9: نسبت خط فقر سال 1379 به خط فقر سال 1363

روش	شهري	روستايي
2179 كالري	$\frac{153408}{10867}$ =14/1	$\frac{84684}{3503}$ =24/1
2300 كالري	$\frac{161928}{11470}$ =14/1	$\frac{89383}{3698}$ =24/2
50 درصد ميانه	$\frac{170467}{7829}$ =21/7	$\frac{98344}{3834}$ =25/7
66 درصد ميانه	$\frac{225016}{10334}$ =21/7	$\frac{129814}{5060}$ =25/7
50 درصد ميانگين	$\frac{234199}{10723}$ =21/8	$\frac{130447}{5052}$ =25/8
66 درصد ميانگين	$\frac{309143}{14154}$ =21/8	$\frac{172190}{6669}$ =25/8
معكوس ضريب انگل (1)	$\frac{614995}{22459}$ =27/3	$\frac{305573}{13300}$ =22/9
معكوس ضريب انگل (2)	$\frac{142949}{5035}$ =28/3	$\frac{65721}{3199}$ =20/5

افزايش اندازة خط فقر در طي دورة مطالعه به عوامل مختلفي وابسته است . افزايش سطح عمومي قيمت‌ها يكي از اين عوامل مي باشد. در دهة 60، جنگ و سياست هاي حمايتي و يارانه اي موجب تثبيت قيمت‌ها و به ويژه قيمت مواد خوراكي شده بود، ولي با آغاز دهة 70 سياست كنترل قيمت جاي خود را به رهاسازي قيمت ها داد. چند برابر شدن خط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

فقر، به ويژه خط فقر نسبي، ناشي از عدم موفقيت سياست‌هاي توزيعي به ويژه در مناطق شهري مي‌باشد. البته دلايل متعدد ديگري را مي‌توان شناسايي نمود اما چون هدف اين مقاله صرفاً ارايه تصوير ت حولات خط فقر بوده است لذا از ريشه يابي آن در اين مقاله خودداري مي كنيم. بررسي علل تحول خط فقر مي‌تواند موضوع مطالعة ديگري توسط نويسندگان اين مقاله يا ساير علاقه‌مندان باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

1. ابوالفتحي‌قمي، ابوالفضل (1371). **درآمدي بر شاخص‌هاي نابرابري درآمد و فقر**. مركز آمار ايران.
2. اخوي، احمدي (1375). **آيا فقيران افزايش يافته‌اند؟** در تحليل و بررسي اقتصادي فقر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني.
3. خدادادكاشي، فرهاد (1377). **اندازه‌گيري فقر در ايران برحسب خصوصيات اجتماعي و اقتصادي خانوارها: كاربرد شاخص سن**. پژوهش‌نامه بازرگاني، شماره 8.
4. خداداد كاشي، فرهاد (1381). **اندازه‌گيري شاخص‌هاي فقر در ايران: كاربرد انواع خط فقر، شكاف فقر، شاخص فقر**، پژوهشكده آمار.
5. خداداد كاشي، فرهاد و باقري، فريده، (1384). **نحوه توزيع فقر در ايران**. فصلنامه پژوهش‌هاي اقتصاد ايران، شماره 22.
6. مؤسسة مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني (1381). **طرح جامعه الگوي مصرف** تهران.
7. پژويان، جمشيد (1371). **شناسايي اقشار آسيب‌پذير**. تهران: معاونت اقتصادي وزارت امور اقتصاد و دارايي.

8. Atkinson, A. (1987). **"On the Measurement of poverty"**. Econometrica, 55, 749-60.
9. Kinson, A.(1994). **"Measurement of Poverty and Differences in Family Composition"**. Economica, 49
10. Johansen. F (1993). **"Poverty Reduction in East Asia"**. World Bank.
11. Kakwani, N. (1993) **"Statistical Inference in The Measurement of Poverty"**. Review of Economics and Statistics, 75 , 632-39
12. Pajooyan, J.(1994). **"Establishing The Poverty Line"**. Iranian Economic

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

Review.

13. Ravallion, M. (1998). **"Poverty Lines in Theory and Practice"** LSMS working paper, No 133, World Bank.
14. Sen, A. (1976). **"Poverty: An Ordinal Approach to Measurement"**. Econometrica, 44, 219-31
15. Townsend, P. (1985). **"A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen"**. Oxford Economic paper.
16. United Nation (1995). **"UN Decade for Eradication of Poverty" .**General Assembly Resolution.
17. Wolff. E.N. (1992). **"Economics of Poverty, Inequality and Discrimination"**. South-Western College Publishing.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]